

سنه	ماهه	سنه	ماهه	سنه	ماهه
۱۲	۲۶	۴۵	۳۰	۵۵	۱۶
۱۶	۳۰	۵۵	۱۶	۳۰	۹
۹	۷	۳۰	۱۲	۱۲	۴
۸	۷	۱۲	۱۲	۱۲	۴

طهران ۴ شاهي ساير ولايات داخله ۵ شاهي مالك خارجه ۶ شاهي

کلین

قیمت اعلان سطري يگرگان است

۱۳۲۴

هزوان مراسلات

طهران — خیابان ناصریه

اداره جريده مجلس

مدیر مسئول و دير — شيخ يحيى كشانى

عنوان تلگرافى جريده مجلس

نمره ثغون ۱۲۵

مراسلات ب ا袂تاي معروف ياخوي از ملك روزنامه طبع فميشود مکاتب وارد مير خواهد شد

روزنگار ايست يومه ملي سپاسي نجاري مشتمل بر اخبار و مذاكرات مجلس شورى مللي

نحواء داد
ابن جبار قرب امال خودرا خورد
قه از وسا يا پك پدرش در مردن فمه ده
پها طر مبارود و ده از فوه مل که سه سال
قيل اورا پيد زين ذات از بخت فروشده
ياد مهمنا يده.

(در اينجا عور اعلاه حکومت
ذلتني و جازمه صد هزار و مان تال
محمد علی و سار و اتفاقات اخريه را تلق
ڪرده اشكاه چين ميگويد)

شك آبيت که ابن طاغي بروز ده مخدول
شده اعوان و انصار از هوش ياشده در
مضمح پشماني خواهد غلطید و مندي
غبيه د. ڪوش خواهد گفت اى اي
خذول که هر شخص تو بيرت و موظعه هر
يادشاه مستبدی است يدرت در حال مردن
خواست و بتو وصت کرد آزادی ملته
پنه و بامات مستبر و هشاق و عيد او تو
گرفت که باین وصت عمل کن افسوس يکه
پهنان را. قصص وعده را بخلافت گردید
تاریخ نورا علم داد که چو کان
سلط اگر دورش محبت قاوب ملک پيشاد
يکصائي ييش فخواهد بود و ناجهه از
دست ملت بسرت گذاشده شود قرار مي
فرت خواهد گرفت و باخته که ها هايشه بر
دلایل ملت نياشد مستقر و حکومت فهمت
نه براند بخاطر بياورد.

(لر گچتر)

از طرف دولت بهه انكليس رله گچتر
بست قوه لجه فرالي و وکيل سپاسي ملکت
صر مهن که ورسا معنو شده است
لر گچتر يگي از سر داران
معروف دولت انكليس است و در همان عمر
خدمات ثمانين بدولت و ملت انكليس متوجه
و هن خدمتک به دور جوړ شده است دره اين
خوبی خوش مواقف سره و صلاح دولت
نه پهنه خود آنچه داده است بر اينها
است برای پادشاهان مستبد.

ابن شخص شاه مظاوح محمد علی

که بر ملت ايران جنابي وارد گردید
نهوز بدل ايان جناب در گردش عنوان فوق
و ايجي بعده علیه ميرزا بلقى از فويسند
در فدهش باقى است — جنابهه استخوان
های ماکسیه را بجزع آور و اقسامه از
نايش قاله دلخراش بر گشید — دولت
ياد مهمنا يده.

(در اينجا عور اعلاه حکومت
ذلتني و جازمه صد هزار و مان تال
محمد علی و سار و اتفاقات اخريه را تلق
ڪرده اشكاه چين ميگويد)

كاش ميداشتم اين خوفخوار بجهه
قصد عازم طهران شده آيا حس گرده است
جنابات سايهه خود را باز و گچگي قره
ملن آمده طلب عنو و بخاشيش دارد و از
گرده فادم و تائب است (اگرچه جناب
قابل عنو و بخاشيش نموده و اويه اين
جانی پيذيرته قبست)

كجا است يگلاني که قفو گند در
حال قسيمه عزت پيشاهي او را بغير
وطبلان از ورده و جز ذات عزل و خلیج هيج
چيز او را بهذب و فربت نهیگاند کجا است
ابن قلم نادر احوال ان نفس سير و تامل
گرده اسکان از برای مامصور گند شورده

و چگو نه قلبي که مقل سن سخت است
ميتواند بصواب و حقبت و اتف شود و بعد

از آنکه بر ملت نير و شند فمه ملت اورا

ميغوض داشته و استياد را شبهه خود

ساخت پس ملت اورا خالع نمود و ضرور

عزت باعث گشته و عهد شگنی اش

گردید پس ملت چايش ساخت ناافت و

مهماز که بعد از هميت نخت و وقار ناج و

چالان سلطنت اورا احاطه گرده برای ما

اورده بود دوباره بجهن آ ورده اگر فرود

شجاعت و رشادت ملت و علو همی

طر داشت مثل متعار در بازار فروش ايد

پنهن پادشاهان مستبد.

ابن خوفخان در سه سال قيل خلخ

شد ر بقصه روس ملطيبي گفت که از پنهن

غضبه ملت فجهات یابد و حکومت روس

با دلت ايران عقدی بست که سا لیا ه

پنهان بدو داده مملکت را از شرش راحت

سازد و از مکر و شهد. قيمت بازادي

وازادي خواهان اهتماب گند و اينکه ضف

در کار پنهان خود دينه اورا سمت طهران

روها فمه که با مشهودت ملاعنه گند و

طاغي ملت بر از ادعا مخفیه

پنهان بنه و در آنجا اشاره ارجاع پون

که لاج ايران را نا جل بس فهاده و

مجسمهه اسخاب است که چو گان املك را

زميتد لاتي گردېقىسى اش محلل مشروط

حر گشت فمه دند غافل از اينکه عاقبت

همه ملک عدل است و علاجلا یا اجله

مشروطه هم امام را احاطه گشند وغا

از اينکه ملن که خون خوردا در ازاع قيمت

ازادي ميده جريه گند فهه اين قيمت را

ليان خواهيم فمود

فلدارشان و باکوفت گچتر دو خ

فرین احزاب سپاه مصر) است در شهاده

۳۷۷ خود، قاله مفصل در هم عنوان فوق

و ايجي بعده علیه ميرزا بلقى از فويسند

کان فاضل ماهر، صریح داد که ترجمه افرا

علم شركه و چاوه گيرى از جمیع و پيل

علم خصوص مسلمانان یاچه چشم غضب

و خشم بطرف اين سر خپل ارجاع و سر

گرده است پهاده ذکر که دنچه چشم غضب

و منوره احرازه و خواهند ايجان است

کاور او پهله عبرت و موعظه ساير سلطان

استياده داده و در پرسخ او عموم مستبد

رالپر ولامت همکنند و چگونه بر ساخت

و پنهان اين قادان خام طبع مجهود

بهر حال خلاصه مقاومه روز نامه

علم از اين قرار است

کجا است يگلاني که قفو گند در

حال قسيمه عزت پيشاهي او را بغير

وطبلان از ورده و جز ذات عزل و خلیج هيج

چيز او را بهذب و فربت نهیگاند کجا است

ابن قلم نادر احوال ان نفس سير و تامل

کرده اسکان از برای مامصور گند شورده

پادشاهي را گهه دليل و خوار گند و بعد

از آنکه بر ملت نير و شند فمه ملت اورا

ميغوض داشته و استياد را شبهه خود

ساخت پس ملت اورا خالع نمود و ضرور

عزت باعث گشته و عهد شگنی اش

گردید پس ملت چايش ساخت ناافت و

مهماز که بعد از هميت نخت و وقار ناج و

چالان سلطنت او را احاطه گرده برای ما

اورده بود دوباره بجهن آ ورده اگر فرود

شجاعت و رشادت ملت و علو همی

طر داشت مثل متعار در بازار فروش ايد

که چهارساله جيز دروغ باداره فرموده

دارد که جيز مدت از هموطنان هفت

فهمت و ما هرگز راضي بدان فسق و

حرمت باعث گشته و از باعث

اداء تهبيت و مهابا زنگنه

پنهن پادشاهان مستبد.

بل اين جسم مثالی استياد است که

از پنهان خود بر آنگه شده اند و مشهد

که ابدا در عرض اين سال بمن اسلا

متواли باعث چواهه فداهه و قوچان

از ختم جهات و زندگانه همی دهد و

شگفتگانه از همی دهد و همچنان

نمیگذرد که اين همی دهد و همچنان

نمیگذرد که

برای کسب احلاط و ادامی
زمر نو می شود افزون مالی
نیوادی سکر فوی عالم نیوادی
فر شته جن بین آدم فوی دی
چو فوشد روز توروزی شود نو
شود جان نازه فروزی شود نو
شود از ناز کی خرم گلستان
بخوا قد از خوشی سرخ خوشی الحان
چو شد فروردین گاشن شودنو
زیرهانو گلشن دام شود نو
شراب کنه جان بخت مسلم
ولی بایار نو چون کشت نوام
وقيق کنه بهر حظت جان به
و لپن بهر عشرت نو جوان به
چو دولت فو شداده ملک ایران
ز پیدا دو ستم بختت فیران
زمش رو طه چو نو با غ وطن شد
وطن از پیش او خرم چمن شد
چو زیور یخش افسر شده تو
منور کشت ایران از هه تو
گما فی کز توی شویش دارند
هم غم بهر فان خو پیش دارد
از آن نو سند چون عهد فو آید
چفاو ظلمstan دیگر نیا بد
جو امد ارتبا یار از فو پیداد
ز غیرت شد بجا حد کرم بیکار
جوا نان رسید بخطباری
روان کننه جو سهل کوه ساری
همان قام او وان شقق اهنت
بهمجا زین فوی بسته کمر نک
بما لام زین توی کر دید حمی
که ایران از دلیران فیست خالی
عیان شد زین فوی برخلاف کبهان
که ایران است جای فر شیران
غرض چون سال چارم شد بیان
بسال پنجهجن نو کشت دووان
کرفتیم ان میون فرخشده خامه
بتحیربر مظلوم و وزن مسے
امید از حضرت دادار بیچون
که بشد زین فوی فروزی افزون
سخن را بوكه صاف و سفته کوئیم
هي تیوه خامن پخته کوئیم
برازیم از سنایلطف افکار
چو طبع خاری کوئی ذکنثار

هوطنان کی ای خود مسبد و مورنی و میورنی
به ملاحظات جندی صرف نظر می نمائیم
و لی مختصر آمیگوئیم که صاحب منصبان
سوئیل هلاو بر مقامات عالیه عالی و عملی
بصفت مددوچه بیانات دای و نیزه و شی و
غیره اراسته و پیاسته هستند و امید و اراد
چنایم که بزوی چنانچه مظلو و مقصود
عموم دولستان ایران و ایرانیان است
امورات راجه بخود را مرتب و منظم
نمایند —

ا خبار سری

از اتفاقات شیانه

دیشب که شب چهار شنبه ۲۸ بوده
در ساعت چهار و پنج از شب کنکه به
در خیابان ارمیها و بروی خانه امیر بادر
صدای شلیک لفک و موژر تیریا قیم ساعت
وکنه سه دین امتداد پیدا شود که از نرس
نام اهل امحل از پشت بامها پائین
امتداد از قرارگیر مسد میگشند یک بچه از
پشت یام افتاده و یک زن بچه سقط گردید و
بعد از هباهوی زیادی ساک شدند و سدم
نائص ش در اضطراب پوکند صبح کشد
مازد اسکروله برانداز پطرسون و میبو
بجهه تحقیق از خانه یرون ادمون یک فر
زاقنار را ملاقات کرد ازاو مُول نمود
از مأوچ دیشب جواب داد که یک دسته
پلیس باصاحب متصب در خانه اشرف فاخته
میست پوکند و دسته دیگر که در پرون
بودند بایشان فراغ فو دند اخراج کشد
از زد و خورد زیاد از هم متفق شدند
ایشت احوالات دیشب خوبت کاف اداره
فناهمه خواهش قماقید که در این موقع
باریک و سدم مضراب الاحوال از نیکوکه
وقایمات جلو گیری نمایند که اسیاب نوهم
واشتراب سدم پیش از این فشود

سید محمد تقی

ز پیخا قام دوچوی که از مخصوصه قم
سراجیت کرده یکسته ایه ط کیم زدیده
پیغمبر آورده پاییں اطلاع پیدا کرده و اورا
چاپ یکنامه مودود و پیچروز نوچه شد
کتکت کاری

ضمیمه خانم بالا قام باعیال متهدی محمد
سقا فراغ کرده عرض اینکه خانم بالا کننه
چراشوه اوروت رد شدن بین نکاه کرده
خانم بالا پاستک زده سر عالیه سه اوا تکننه
بعد اورا بمطابق نظمه برای معالجه فراساده
و خانم بالا نوچه شد

دستگیری سارق

قاسم اوندی که یکی از سارقین معروف
است که فشار و دروغ نهاده توپه شد
سرقت
اسمعبل قام و مهرعلی تمام سریان بجزم
سرقت پول چل به اظهاره شدند

اویا

۵۰

پیروزی یخت و بنی اقبال
بنزخ قام آمد پنجهجن سال
چو ووز اول سال نو آمد
کهت فکر نم کرم دو آمد

السلطنه سینه دولت علیه ایران مقام واریس
دو عمارت سفارت باقی خوار مقدم کرده از ادی
وحربت یگانه فرزند شجاع ایران حضرت
سردار شمسد که بناز کی محل پاریهان
وا زینت داده است ضایافت بزرگی نموده
و قاعده شایانی داده است

شایاقت چناب ممتاز السلطنه که
برای نیزیک مقدم حضرت سردار نه په
شده بود زوجینه کرده چونکه هوطنان
گرامی ما موسوی دورنی و میبو پرنی و
صاحب منصبان سوچی سکانی ایحالما
رسون و مازور اسکروله براند و مازور پرنس
که بایق از طرق سلطنه عازم ایران
کرده و در حقیقت برای دفاع امده بودند
دو اطراف مغلوب کشته محمد علی شاه
دیده بیشندند

صاحب منصبان سوچی را دولت علیه
ایران چون نظم اداره زانداره میز
خواسته است
در پهلوی چناب ممتاز السلطنه و
حضرت سردار اسد افای فهم المک و
حنن علی خان تزار گرفته و بعد از اتفاق
آقای احیاء المک طیب مخصوص حضرت
سردار اسد و سکانی هجال مارسون و
مازد اسکروله برانداز پطرسون و میبو
دور نین موسوی پرنی و میبو مارن و کل
نایبر پس و میبو لاپرسکر زفال از جن
فرانکو پرسان به ترقب نشانه
بودند

میبو ایم از طرف مجمع فرانکو
پرسان نیزیک و وود حضرت سردار
کشته و بقای نام دوستان ایران و
اقجهن و از خدای متعال میلاد
کرده است

از اتفاقات حینه روز ضیافت با روز
کوئن طهران مطابق گردیده بود این
عنی که در دو سال قبل در چین روزی
سردار و شبد بختیاری محمد علی شاه را
مغلوب نموده و با فتح و فرست وارد
طهران گردید

به یاد کاری آن روز مهندی جناب
متیاز السلطنه شرحی از وطن پرسق و
امداده ایشان خلاف است و این محل
اسروز خیل قابل همه نوع ملا خانه و
دقت است و فی نوان قانع به نجریه و این
اطلاعات داخلی گردید

سراد وارد سکری در جواب اظهار
است که در مقاله مغلوب کشته است

موسوی بی قس که یکی از وکلا
است اظهار داشته که اسلام ایز و مادری
دیبلو ماسی دادن خلاف است و این محل
اسروز خیل قابل همه نوع ملا خانه و
دقت است و فی نوان قانع به نجریه و این
شرطی در مقاله مغلوب کشته است

موسوی بی قس که یکی از وکلا
قدرت خدمات و زحمات معلم الیه را فراموش
نکرده و بتصویب و سکلاره ملت
میان یک میون و دویت و پنجاه هزار
فرانک باسم مدد معاش بدو داده و از
طرف دولت باقی قبیل و بگفتی ملک و
سر افزار گردید

لرد کچنر پس از نوقت مدلی در
لندن برباست سکل قانون هندسر افزار
شده و بسته هندوستان حرکت نمود
مدت هفت سال پنجهانی میگی کل
قانون هندوستان بر تواری بود و در
عرض این مدت قانون هند را بگلی نظم و مرتب
گردید و لباق و کمایت خود را
پیز در این مایه بودت داده شده است باست
پار امان هم اطلاع داشته باشد و لی سزاد
وارد سکری در جواب کشته است که

از دستور داخل اخطله خواهد گرد و
از ما و دیگر لرد کچنر ایندا در پانچ
انگلیس و مصیر پنجهانی که پیدا فخراند شد
آنچه که این مقام نیست

— اخبار پاریس —
(نقل و ترجمه از مجله فرانکو پرسان)
پیجشته هشم زویه چناب ممتاز

علوم در سه ۱۸۵۰ متولد شده و پس از اینما
دوره تحصیلات نظامی در سه ۱۸۷۱ داخل
تشون گردید

در سه ۱۸۷۲ که دولت انگلیس در
سند زراب و نظایر قانون مصر برآمد
شارالله بست کاپیتنی داخل تشون انگلیس
نصر گردید

اوسته ۱۸۹۸ ۱۸۹۸ لرد کچنر در
نام جنگیان انگلیس و مصر داخل یوده
و دولت معاشر فرایت رشاد و شجاع
خود را بروز داده و خدمات عده و شایان
نمود

در سه ۱۸۹۸ ریاست کل قانون انگلیس
و مصر را دارا شده و درجهنک امده و رمان
بکل مهد برا شکست داده و نام
قانون را مغلوب و منکوب نمود
دولت بر نافی کیهان در پاس خدمات و زبان
معلم الیه را بلقب بارونی سرافراز و مفتر
نموده و تصویب پارلمان میان هفت صد چهار هزار
فرانک باس نلاخ خسارات و فرام بی داده
پس از تفع امده و رمان و اختنام غالب
مهده یا نهادی چندی و بیاست کل قانون مصر
و انگلیس برقرار بود

دوچنگ بوئر و انگلیس پس از
شگفتگی پی در پی قانون و فتوحات فیلان
بروگها دولت انگلیس فر مادری مائی
سکل قانون افیقا هیزوی را به لرد
کچنر داده و معلم الیه بطریق افیقا

پیشون و رود لرد کچنر در افیقا
ورق پر کشته و قانون انگلیس در نام
ما وک مفتر و منصور گردیده
خلال سه چنگ بوئر را بطریق
مقصود و مغلوب دولت انگلیس بود ختم
نموده و کفایت و لباق و شهادت
و زندگانی دخورا در این جنگ نام میان
واضح و میرهن نمود

پس از ختم چنگ بوئر لرد کچنر یلن
مرا چوت نمود

ملت و دولت حق شناس انگلیس
قدر خدمات و زحمات معلم الیه را فراموش
نکرده و بتصویب و سکلاره ملت
میان یک میون و دویت و پنجاه هزار
فرانک باسم مدد معاش بدو داده و از
طرف دولت باقی قبیل و بگفتی ملک و
سر افزار گردید

لرد کچنر پس از نوقت مدلی در
لندن برباست سکل قانون هندسر افزار
شده و بسته هندوستان حرکت نمود
مدت هفت سال پنجهانی میگی کل
قانون هندوستان بر تواری بود و در
عرض این مدت قانون هند را بگلی نظم و مرتب
گردید و لباق و کمایت خود را
پیز در این مایه بودت داده شده است باست
پار امان هم اطلاع داشته باشد و لی سزاد
وارد سکری در جواب کشته است که

از دستور داخل اخطله خواهد گرد و
از ما و دیگر لرد کچنر ایندا در پانچ
انگلیس و مصیر پنجهانی که پیدا فخراند شد
آنچه که این مقام نیست

دو لانگلیس و بدوک نکنای و
را جم بوده است

لرد کچنر از پیول این و پنهان غمده

و جنس املاک ملایر در خود و سایر
ملکین قبدها مگر مالیه لرستانی و
غارنگی دوره استبداد را خدای خواهه
وزیری مشروطه خواه و خنقا نه دار کل
ممول پادشاه امریست عاجله منظر
جهانیم (سنته الدوّل)

لکرانات خارجی
از این دو فر

پیش نهاد دولت افکنی
از لندن ۱۶ اوت پیشنهاد دولت
افکنی درباب قسمت خلیج راه آهن بقداد
در اخیر زواله به دولت عنانی تقدیم شده
آن پیشنهاد مشتمل است به فضول فیضی
راحی به امداد خط آهن در اسپای صفر
و شرک دولت افکنی درخانه مذکور ولی
اصرار دارد دیگر که وجود متفق به اخراج
جات قسمت اخیر راه آهن یعنی قسمی که
مصل به خلیج پیشود بطور ازین پایین
مال بشد در سوئیکه دولت افکنی
از این بر دیگران قدا شده و اختلاف فیما
بین واقع کرد —

بلهای تاکمان

سپاهی شانگرایی در ولایت افهوی
دو پیش و سی پیچه از جربه برق را
شایع کرده و هیچ ایندی هم برای خرمن
پایین قیمت نصف میلیون مردم پهمنان و
اقوته هستند —

زغال فی

زغال فی از این حرکت کرده
و از راه پطرز بورخ طام زاپون است
سر پیش قانون هند
روز نامه سر پیش پست مهکوید که
مأموریت ایوان زغال لیک به سر اینی
تشون هند حقق شد —

شورش عملجات

وضع بنادر لندن دیروز بعد بد
بنفار میامد و عملجات باز شروع به نطبیل
کرده و عطا هائیک به افشا شده فی پیشنهاد
من ازان نن غذا و مکولات که معلم مانده
و حمل قیشو شایع شده و بحکم عیس خلیج
الصحه هم را دور بینندند —

فوت

یکنفر از شورشان که در پیور پول
کاره خورد بود فوت کرد —

رپس دائره نجارت

بر کنون و قیس دائمه نجارت
رؤسای کپانی راه آهن و رؤسای جامع
عملجات را اموز احضار کرد —

داجن بشورش عملجات

چنانچه از قراین معلوم است نطبیل
علومی می عملجات به نظر قطیع میامد فقط
ایند اینست که اداره نجارت و حسن عامه
این شورش و نطبیل را یک انداده از
عمومت تخفیف دهد و نطبیل بشورش
تسعی بمانند بعلاوه کمیا نهایی راه آهن
پرای پیش میعنی اینند ماه قبیل احیاطات
لازم را بجای اورده اند که بخلاف بتواتند
مقداری از این ها را حر کن دعند امید
رایگری که هست اینست که یک قسمت از
خط آهنا در جزء مجمع مخلوطی که
نطبیل می عمومی دارند پیشند —

خیابان ناصری

دو مطبوعه مجلس بطبع رسید

ارسال داشته ولی از یوما

مخصوص

پیش نهاد

از این دو فر

پیش نهاد

<p